

تأثیر جنسیت بر محتوا در آثار «مارگرت آتوود» و «خالد حسینی» از منظر تحلیل گفتمان انتقادی

معصومه اسداله شریفی^۱، زهره صفوی زاده سهی^۲، فاطمه عظیمی فرد^۳، مرجان طاهری اسکویی^۴

چکیده

این پژوهش با به‌کارگیری چهارچوب تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف (۲۰۱۰)، به بررسی گفتمان جنسیتی درمتون ادبی پرداخته‌وشیوه‌های بیانی دو نویسنده را در سطوح توصیف، تفسیر و تبیین مورد تحلیل قرار داده است. پژوهش حاضر با انتخاب هدف‌مند دو اثر ادبی، یعنی رمان «The Handmaid's Tale» اثر مارگرت آتوود، نویسنده زن، و رمان «And the Mountains Echoed» اثر خالد حسینی، نویسنده مرد، و با روش تحقیق توصیفی-تحلیلی انجام شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که جنسیت نویسنده به‌تنهایی تأثیر معناداری در شکل‌دهی به گفتمان قدرت ندارد، بلکه عواملی هم‌چون ویژگی‌های درون‌متنی نظیر دایره واژگان، زاویه دید و سبک شخصی و هم‌چنین عوامل برون‌متنی مانند ایدئولوژی و فرهنگ موجب تفاوت در گفتمان قدرت در آثار این دو نویسنده شده‌اند. این نتایج حاکی از آن است که تمایزهای گفتمانی بیش از آنکه متأثر از جنسیت باشند، تحت تأثیر مؤلفه‌های زبانی و بافت اجتماعی-فرهنگی حاکم بر متن قرار دارند.

واژگان کلیدی: تحلیل گفتمان انتقادی، جنسیت نویسنده، گفتمان زنانه، گفتمان مردانه، نقد متن ادبی.

^۱. دانشجوی دکتری زبان شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تاکستان، تاکستان، ایران.

shrfshadi@gmail.com

^۲. استادیار زبان شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تاکستان، تاکستان، ایران. (نویسنده مسئول)
naghme_linguist@yahoo.com

^۳. دکتری زبان شناسی، پژوهش‌گر ارشد صدا و سیما،

azimifard.m@gmail.com

^۴. استادیار زبان شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تاکستان، تاکستان، ایران.

ms_ogouei@yahoo.com

مقدمه

جنسیت بخش بزرگی از هویت انسان، چرایی رفتار، گفتار، نوشتار و یک برساخته اجتماعی است. تأثیر جنسیت بر نوشتار یکی از ویژگی‌های قابل توجه در بررسی گفتمان زنان و مردان است. جهان‌بینی، نوع تفکر و زاویه دید، زبان و نوشتار زنان و مردان را متفاوت جلوه می‌دهد.

پژوهش حاضر تحت عنوان «تأثیر جنسیت بر محتوا در آثار «مارگرت آتوود» و «خالد حسینی» از منظر تحلیل گفتمان انتقادی» در نظر دارد تأثیر جنسیت نویسنده و گفتمان زنانه و مردانه را در متون ادبی از دیدگاه تحلیل گفتمان انتقادی مورد بررسی قرار دهد. چهارچوب نظری این پژوهش چهارچوب نظری «نورمن فرکلاف» است. فرکلاف (۱۹۹۲ ب) معتقد است تحلیل گفتمان انتقادی دو هدف عمده که عبارتند از اهمیت زبان در تولید، حفظ و تغییر روابط اجتماعی قدرت و افزایش هشیاری در نقش حاکم شدن زبان را دنبال می‌کند. نگارندگان در پژوهش حاضر در پی آن هستند تا یک کتاب به زبان انگلیسی با نام *The handmaid's tale* به نویسندگی «مارگرت آتوود» و کتاب دیگر به زبان انگلیسی با نام *And the mountains echoed* به نویسندگی «خالد حسینی» را مورد بررسی قرار دهند. روش نمونه‌گیری به صورت انتخابی است.

نگارندگان در این پژوهش ابتدا به معرفی کتاب‌ها و سپس به تجزیه و تحلیل داده‌های متن از دیدگاه تحلیل گفتمان انتقادی می‌پردازند. این پژوهش از دیدگاه تحلیل گفتمان انتقادی، برای پاسخ به این پرسش‌ها انجام گرفته است که آیا جنسیت نویسنده در شکل‌دهی گفتمان قدرت در اثر زبانی تأثیر معنی‌داری دارد؟ و آیا بازنمایی گفتمان قدرت متأثر از فرهنگ و ایدئولوژی نویسندگان است؟

تحلیل پیکره این پژوهش بر اساس رویکرد نظری «تحلیل گفتمان انتقادی» (نورمن فرکلاف) انجام می‌شود. «نورمن فرکلاف» تحلیل گفتمان را به عنوان یک رخداد زبانی، بخشی از عمل اجتماعی به حساب می‌آورد و به جنبه‌های غیر گفتمانی امور اجتماعی نیز توجه دارد. روش تحلیل گفتمان «نورمن فرکلاف» متشکل از سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین است که این روش از قدرت تبیین‌کنندگی بیشتری برخوردار است. و مزیت دیگر انتخاب این چهارچوب تأکید بر نقش قدرت و ایدئولوژی به مثابه شرایط فرامنتی موثر بر تحلیل گفتمانی است. بنابراین معرفی این رویکرد ضروری می‌نماید.

«نورمن فرکلاف» (۱۹۹۵) اولین فردی بود که هنگام پیشنهاد یک نظریه گفتمانی و

بررسی تغییرات اجتماعی، از رویکرد انتقادی استفاده نمود. فرکلاف بر این باور تاکید دارد که متن، معنی را به وسیله ویژگی‌های زبانی انتقال نمی‌دهد، بلکه معنی به واسطه ساختارهای گفتمان مدار، تولید و درک می‌شود و این معنا نشان دهنده ایدئولوژی خاص و یا شیوه‌های کنترل و دستکاری روابط قدرت است (قاسمی، ۲۰۱۹: ۱۱). «نورمن فرکلاف» (۲۰۱۰) تحلیل گفتمان انتقادی را تحلیل رابطه متن و سطوح مختلف بافت اجتماعی تلقی می‌کند و هدف تحلیل‌گر را تبیین رابطه بین متن زبانی، فرآیندهای تولید و تفسیر و بافت در نظر می‌گیرد. روش تحلیل فرکلاف در سه سطح قابل پیگیری است:

۱. توصیف: تحلیل ویژگی‌های صوری متن. در این سطح، تحلیل گفتمان انتقادی بر شاخص‌های زبان‌شناختی متن متمرکز و ویژگی‌های زبانی متن براساس چهارچوب نظری پژوهش بررسی می‌گردد.
۲. تفسیر: بررسی و توضیح روابط موجود در بین فرآیندهایی که موجب تولید و درک گفتمان مورد نظر می‌گردند. در این سطح چهارچوب‌های ایدئولوژیک نمایان می‌گردد و عمل‌های گفتمانی از قبیل بافت، زمینه و انواع گفتمان تحلیل می‌شوند.
۳. تبیین: مطالعه ارتباط بین تعامل و بافت اجتماعی و توضیح رابطه بین عناصر گفتمانی و اجتماع در حین توجه به سابقه و زمینه فرهنگی آن گفتمان. در این سطح گفتمان به عنوان کنش اجتماعی بررسی می‌شود، به نظریه اجتماعی پرداخته می‌شود و زیربنای ایدئولوژیکی را که در سطح تعبیر وجود دارد، آشکار می‌گردد. نظریه اجتماعی، فضایی جهت تبدیل تحلیل گفتمان غیرانتقادی به انتقادی می‌سازد، گفتمان به سطح معنا می‌رسد و روابط قدرت و ابعاد ایدئولوژیکی گفتمان تحلیل می‌گردد.

نکته محوری رویکرد فرکلاف این است که گفتمان گونه مهمی از کنش اجتماعی است که دانش، هویت‌ها و روابط اجتماعی از جمله مناسبات قدرت را بازتولید کرده و تغییر می‌دهد و هم‌زمان سایر کنش‌ها و ساختارهای اجتماعی به آن شکل می‌بخشند. به این ترتیب، گفتمان رابطه‌ای دیالکتیکی با سایر ابعاد اجتماعی دارد. فرکلاف ساختار اجتماعی را روابط اجتماعی در

کل جامعه و نهادهای خاص و در عین حال متشکل از عناصر گفتمانی و غیرگفتمانی می‌داند (فرکلاف، ۱۹۹۲ ب: ۶۴).

درحوزه تحلیل گفتمان بررسی می‌شود که افراد به چه نحوی با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و مکالمه‌ای را مدیریت می‌نمایند، چگونه در گروه‌ها و اجتماع‌های خاص با یکدیگر گفت و گو می‌کنند و نیز چگونه با گروه‌ها و فرهنگ‌های دیگر به تعامل می‌پردازند. علاوه بر آن، بررسی می‌کنند که افراد چگونه در سطحی فراتر از زبان، به انجام کارهای خود می‌پردازند و نیز به هنگام بهره‌گیری از زبان، باورها و اعتقادات خود را انتقال می‌دهند (پالتریچ، ۲۰۱۲: ۲۱).

پیشینه پژوهش

پس از مرور پژوهش‌های متعدد در ارتباط با تفاوت‌های گفتمانی و سوگیری جنسیتی، به چند پژوهش در قالب مقاله برخوردیم که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

آرگامون^۱ و همکاران (۲۰۰۳) در مقاله «جنسیت، ژانر و سبک نوشتاری در متون رسمی» به بررسی تفاوت‌های نوشتاری مردانه و زنانه پرداخته‌اند. نوشتارها از لحاظ واژگان و نحو در ژانرهای متفاوت و در متون داستانی و غیرداستانی بررسی شدند. مشاهدات نشان می‌داد زنان بیشتر از ضمائر و مردان بیشتر از مشخص‌کننده‌های اسمی استفاده می‌کردند. زنان از شاخص‌هایی تحت عنوان «درگیر» و مردان از شاخص‌هایی تحت عنوان «اطلاعاتی» بهره می‌بردند. در مجموع همبستگی زیادی بین ویژگی‌های نوشتار مردانه و زنانه وجود داشت.

ولی زاده (۲۰۰۸) در مقاله «جنسیت در آثار رمان‌نویسان زن ایرانی» اذعان دارد جنسیت در ایران همواره توسط گفتمان‌های مردان تعریف شده است. تولید نظام‌های معنایی در طی سده‌ها در انحصار مردان بوده است. اما در سالهای اخیر با رشد حیرت‌آور زنان نویسنده در ایران مواجه بوده‌ایم. رمان‌های مورد بررسی دو دستگاه متمایز بازنمایی زنانگی را آشکار می‌کنند که آن‌ها را می‌توان «تصویر سنتی زن» و «تصویر زن جدید» نامید. رمان‌های عامه‌پسند بازتولیدکننده ایدئولوژی مردسالار مسلط است و رمان‌های نخبه‌گرا در برابر آن موضعی برانداز دارند. اما نوع نوظهوری از رمان‌های زنان که مرزهای میان ادبیات نخبه‌گرا و عامه‌پسند را مخدوش کرده‌اند، بدون گسست از سنت‌های فرهنگی موجود تلاش دارند تا با

^۱. Argamon

برخوردی انتقادی و پرسشگر از این سنت‌ها موقعیت زن در جامعه را تجدید نظر و بازاندیشی کنند.

لانگه^۱ (۲۰۰۸) در «مقاله نوشتار مردان و زنان درباره زنان: دیدگاه زنانه در رمان‌های آمریکایی و رمان‌های آفریقایی به زبان فرانسوی توسط نویسندگان مرد و زن»، دو رمان آفریقایی به زبان فرانسوی و دو رمان آمریکایی به زبان انگلیسی توسط نویسندگان مرد و زن را بررسی نموده است. با مطالعه این متون و تجزیه و تحلیل منابع در مورد سبک‌های نوشتاری زنان و مردان و نیز شیوه ارائه آن‌ها بینشی به دست آورده است مبنی بر این که جنسیت نویسنده بر نحوه نوشتن در مورد زنان تاثیر می‌گذارد.

دهقانی و محمودی (۲۰۱۳) در پژوهش «رابطه زبان و جنسیت در رمان معاصر فارسی: بررسی شش رمان» به بررسی تفاوت‌های نوشتاری زنان و مردان در رمان‌های معاصر ایران می‌پردازد. در این پژوهش، سه رمان چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم، کولی کنار آتش، و بازی آخر بانو از نویسندگان زن و سه رمان کافه پیانو، سمفونی مردگان، و ثریا در اغما از نویسندگان مرد تحلیل و بررسی می‌شود. معیار این بررسی دیدگاه‌های رابین لیکاف^۲ (۱۹۷۵) درباره الگوی گفتار زنانه در گفتمان است. تحلیل آماری هر یک از مشخصه‌ها نشان داد عملکرد زنان نویسنده فارسی زبان در زمینه استفاده از رنگ واژه‌ها، تردیدنماها، دشواژه‌ها، تشدید کننده‌ها، و تنوع صفات با دیدگاه‌های لیکاف سازگاری دارد و آن را تأیید می‌کند.

عربی و رفیعی (۲۰۱۸) در مقاله «مقایسه تاثیر جنسیت نویسنده در بیان نشانه‌های سبک زنانه در جای خالی سلوچ و حتی وقتی می‌خندیم» بیان می‌دارند نوشتار زنانه گفتمانی خاص دارد و به عواطف و ناشناخته‌ها نزدیک‌تر است. محمود دولت‌آبادی و فریبا وفی در آثار مورد بحث، قهرمان داستان را زن انتخاب کردند. با توجه به بررسی الیه‌های واژگانی سبک زنانه مشخص شد که در هر دو رمان از هفت زن نام برده شده است. تنوع رنگ‌ها در جای خالی

^۱. Lange

^۲. Robin Lakoff

سلوچ بیشتر است. کاربرد واژه‌های مربوط به حوزه زنان در هر دو رمان تقریباً یکسان مشاهده شد. زیادی واژه‌های دشنام در جای خالی سلوچ نشان‌دهنده خشونت در زبان مردان است. روان‌شناسی واژه‌ها در حتی وقتی می‌خندیم عواطف و دنیای درونی زنان را کاملاً آشکار می‌سازد.

علا و فرزاد (۲۰۱۹) در مقاله «بررسی رابطه زبان و جنسیت در شش رمان معاصر فارسی قبل و بعد از انقلاب»، سه رمان، سووشون، خانه ادیسی‌ها و چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم از نویسندگان زن و سه رمان شوهر آهو خانم، شازده احتجاب و همسایه‌ها از نویسندگان مرد بررسی می‌نمایند. معیار این بررسی دیدگاه‌های رابین لیکاف (۱۹۷۵) در باره‌ی الگوهای زنانه در گفتمان است. استفاده دقیق از رنگ واژه‌ها، فرم‌های مؤدبانه، قیده‌های تشدیدکننده، صفات تهی، گفتار غیرمستقیم، پرهیز از رکاکت و دشواژه‌ها و تأکید بر تشدیدکننده‌ها، تحلیل آماری هر یک از مشخصه‌ها نشان داد عملکرد زنان نویسنده فارسی‌زبان در زمینه استفاده از موارد فوق با دیدگاه‌های لیکاف سازگاری دارد و آن را تایید می‌کند.

نجفیان و همکاران (۲۰۱۹) در مقاله «تحلیل گفتمان‌های قدرت و جنسیت در آثار نویسندگان زن دهه هشتاد» اعتقاد دارند دهه هشتاد دوران تغییرات اساسی در گفتمان‌های قدرت حاکم در ایران است. در این مقاله ۶ داستان از سه نویسنده زن مطرح دهه هشتاد «شیوا ارسطویی، زویا پیرزاد و فریبا وفی» با رویکرد تحلیل انتقادی گفتمان بررسی شده است. نتایج حاصل از این بررسی نشان می‌دهد که دگرگونی در گفتمان‌های قدرت و جنسیت حاکم در نحوه کاربرد زاویه دید، شیوه روایت و موضوع این داستان‌ها تأثیر مستقیم داشته است.

حاتمی و همکاران (۲۰۲۲) در مقاله «مقایسه تأثیر عوامل جنسیتی بر نوشتار رمان‌های سال بلوا و خانه ادیسی‌ها» معتقدند جنسیت نویسنده و بازتاب عوامل برخاسته از جنسیت در سبک نوشتاری و چگونگی شکل‌گیری روایت، تأثیر گذار است. کاربرد سبک نوشتاری زنانه در ساختار روایی رمان سال بلوا، برای تطابق با ذهنیت زنانه قهرمان داستان، در تضاد با جنسیت نویسنده‌اش گسترش یافته و تفکر مردانه عباس معروفی در این زمینه تأثیر بسزایی نداشته است. در رمان خانه ادیسی‌ها نیز غزاله علیزاده در موارد معدودی ضمن رعایت اقتضای حال و محل با دوری جستن از کاربرد بعضی از ملزومات زنانه نویسی، متبخرانه از شیوه‌های نوشتاری

مردانه هم استفاده کرده است.

تیموری و همکاران (۲۰۲۳) در مقاله «تحلیل کارکردهای گفتمانی رمان سال بلوا با رویکرد «نورمن فرکلاف» کارکردهای گفتمانی این رمان را بررسی کرده‌اند. در سطح توصیف؛ کاربست واژه‌ها و عبارات‌ها، بازنمایی‌کننده استبداد، خشونت علیه زنان، خفقان سیاسی-اجتماعی با استفاده از هم‌معنایی، واژه‌های غیررسمی، باهم‌آیی، وجهیت، دشواری و تقابل‌های دوگانه از فراوانی بالایی برخوردار بوده است؛ در سطح تفسیر و از نظر بافت موقعیتی و بینامتنیت، این رمان، تحت تاثیر اندیشه‌های ملی-مذهبی پیش و پس از اسلام، دفاع از حقوق زنان و اندیشه‌های مبارزه با استثمار و استبداد است و در سطح تبیین نیز می‌توان تقابل گفتمان‌های ایرانی-غیرایرانی، اقتدار مردانه-انقیاد زنانه و تقابل مردم-حکومت را دریافت کرد. در مجموع، پژوهش‌هایی در ارتباط با تفاوت گفتمان زبانی نویسنده زن و مرد به انجام رسیده است. در این جستار، با بهره‌گیری از رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی «نورمن فرکلاف»، بر آن بودیم تا نویسنده‌های ترجمه‌های مورد نظر را از منظر جنسیت با مطالعه‌ای دقیق، جهت نتیجه‌ای شاید متفاوت، مورد تحلیل قرار دهیم.

بحث و یافته‌های تحقیق

در این پژوهش گزاره‌هایی از یک کتاب به زبان انگلیسی با نام *And the mountains echoed* به نویسندگی «خالد حسینی» و گزاره‌هایی از کتاب دیگر به زبان انگلیسی با نام *The handmaid's tale* به نویسندگی «مارگرت آتوود» مورد بررسی قرار گرفته‌اند. روش شناسی این پژوهش بر اساس شیوه‌های رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی «نورمن فرکلاف» است و متغیر جنسیت نویسنده با استفاده از نمونه‌گیری انتخاب هدفمند در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین از نظر واژگانی، دستوری و معنایی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

در سطح اول، توصیف، به تعریف ویژگی‌های زبانی براساس چهارچوب نظری متن پرداخته شده است و مولفه‌های زیر مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند:

زاویه دید، دایره واژگان و سبک شخصی به مثابه مولفه‌های درون زبانی.

ایدئولوژی و فرهنگ به مثابه‌ی مولفه‌های برون زبانی.

در سطح دوم، تفسیر، مولفه‌های زیر که موجب تولید و درک گفتمان در دو کتاب The handmaid's tale به نویسندگی مارگرت آتوود و And the mountains echoed به نویسندگی خالد حسینی می‌گردند، شرح داده شده است.

زاویه دید، گفتمان آغازین، گفتمان پایانی، ایدئولوژی، فرهنگ، گفتمان قدرت و دایره واژگان شامل استعاره، دشواژه و دستور زبان.

در سطح سوم، تبیین، تعامل و توضیح رابطه‌ی بین عناصر گفتمانی از منظر جنسیت بررسی شده است و مولفه‌های زیر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

زاویه دید و دیدگاه ایدئولوژیک، ایدئولوژی، فرهنگ و قدرت، سبک، شیوه روایت و دایره واژگان که استعاره، دشواژه و دستور زبان را در برمی‌گیرد.

نگارندگان در این پژوهش نگاهی ارزش‌گذارانه به گزاره‌ها ندارند و تنها گفتمان انتقادی از منظر جنسیت نویسنده را مورد تحلیل و بررسی قرار داده‌اند. گزاره‌های در نظر گرفته شده بر اساس نخستین وجه فرکلاف، گفتمان به مثابه متن، الگوهای واژگانی، دستوری، ساختار متن، بر اساس وجه دوم، گفتمان به مثابه فعالیت گفتمانی، تجزیه و تحلیل واژگانی-دستوری و بر اساس سومین وجه، گفتمان به مثابه فعالیت اجتماعی، تأثیرات ایدئولوژیکی و قدرت مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

سطح اول: توصیف

در سطح اول، توصیف، متن‌ها از منظر زبان‌شناختی و از منظر جنسیت نویسنده بررسی شده‌اند.

تعریف مولفه‌های درون متنی و برون‌متنی موثر در شکل‌گیری معنا و گفتمان قدرت که مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته‌اند، به قرار زیر است:

استعاره: واژه‌ای در کنار معنی اصلی خود، از یک یا چند معنی کاربردی و جنبی نیز برخوردار است (صفوی، ۱۹۹۲: ۳۴).

ایدئولوژی: فرکلاف (۱۹۹۵) سبک، صورت و محتوای زبان را ایدئولوژیک می‌داند. ایدئولوژی در نظر فرکلاف عبارت از معنا در خدمت قدرت است (فرکلاف، ۱۹۹۵: ۱۴). فرکلاف بر این باور است که تحلیل قدرت و روابط طبقاتی، نیازمند مقوله‌ی ایدئولوژی است؛ زیرا ایدئولوژی‌ها عناصری مهم در فرآیندهایی هستند که روابط قدرت به واسطه‌ی آن‌ها ایجاد و حفظ می‌گردند، صورت قانونی به خود می‌گیرند و دچار دگردیسی می‌شوند. (فرکلاف، ۲۰۱۰: ۲۶).

جنسیت: راه‌های شکل‌گیری هویت‌های جنسیتی با استفاده از نگرش‌ها و ویژگی‌های برخاسته از فرهنگ و تاریخ است (فرحزاد و کریم، ۲۰۱۱: ۶۳).

دشوآه: انواع تابوی زبانی (دشوآه) با در نظر گرفتن بافت، به بافت ویژه که صرفاً در بافت‌های خاص به تابو تبدیل می‌شوند و عمومی که به طور کلی و بدون در نظر گرفتن بافت، بیان نشدنی و ممنوع هستند، طبقه‌بندی می‌شوند (ارباب، ۲۰۱۲: ۱۱۳-۱۱۲).

سبک: نوعی کاربرد زبان که نقش‌های ارتباطی یا بلاغی خاصی دارد و بنابراین در جنبه‌هایی مانند آرایش نحوی، انتخاب‌های واژگانی و ویژگی‌های متنی تاثیر می‌گذارد (فرحزاد و کریم، ۲۰۱۱: ۱۴۱).

فرهنگ: جنبه‌ای از دانش، فعالیت‌ها و ساخته‌های جامعه‌ی زبانی که لایه‌های معنایی جدیدی را به معانی ارجاعی و بنیادی واژگان می‌افزاید (فرحزاد و کریم، ۲۰۱۱: ۳۶). فرهنگ یک دستگاه پیچیده‌ی نشانه‌ای است؛ یک نظام پیچیده‌ی دلالت که از طریق رمزگان‌های اصلی و ثانویه‌ی درونه‌شده‌اش گستره‌های معنایی را می‌آفریند و امکان مبادله‌ی معنا را فراهم می‌کند، و در واقع در برگیرنده‌ی کل رفتارهای معنادار انسان و رمزگان‌هایی است که به آن رفتارها ارزش می‌بخشد و آن‌ها را قابل درک می‌کند (سجودی، ۲۰۰۹: ۱۴۵-۱۴۴).

سطح دوم: تفسیر

در سطح تفسیر به بافت موقعیتی و نقش زبان در توصیف و بازتولید در فرآیند تحلیل گفتمان پرداخته شده است.

کتاب The handmaid's tale

این کتاب رمانی پادآرمان شهری است که توسط «مارگرت آتوود»، نویسنده کانادایی، در سال ۱۹۸۵ به رشتهٔ تحریر درآمده است. «مارگرت آتوود» با نگارش این کتاب، برندهٔ جایزهٔ آرتور سی کلارک^۱ گشت.

زاویه دید:

«مارگرت آتوود» رمان سرگذشت ندیمه را تقریباً به طور کامل به صورت اول شخص روایت می‌کند و به قطع می‌داند که دیدگاه مناسب برای سرگذشت ندیمه، اول شخص است. این کتاب به مجموعه‌ای از روایت‌ها تعلق دارد که «مارگرت آتوود» آن را «ادبیات شاهد» می‌نامد. در ادبیات شاهد، راوی اول شخص داستان خود را به امید آن که بعداً کسی آن را بخواند بیان می‌کند.

نمونه‌هایی از گفتمان دستوری بر مبنای گزاره‌های اول شخص:

1. I go out by the back door, into the garden. (19)
2. The Guardian rang the doorbell for me. (20)
3. I don't go to the river anymore, or over bridges. (40)
4. Luck and I would watch her sometimes on the late-night news. (56)
5. I saved the cupboard until the third day. (63)
6. I put my mouth to the wooden hole. (87)
7. I used to be different, they used to be in charge. (131)

گفتمان آغازین:

فصل اول کتاب سرگذشت ندیمه شامل دو صفحه، خواننده را به دنیای درون داستان و ترغیب به ادامه تقویت می‌کند. این صفحه‌های ابتدایی، خواننده را مشتاق می‌کند تا بخواهد بیشتر بداند و ذهن او را با اطلاعات زیاد مغشوش نمی‌نماید.

^۱. Arthur C. Clarke

نمونه‌هایی از گفتمان ساختار متن گزاره‌های ابتدای کتاب:

8. We slept in what had once been the gymnasium. (9)
9. We yearned for the future. (9)
10. We learned to whisper almost without sound. (10)
11. We learned to lip-read, our heads flat on the beds, turned sideways, watching each other's mouths. (10)
12. We exchanged names, from bed to bed. (10)

گفتمان پایانی:

پایان باز داستان سرگذشت ندیمه، میل خواننده را برای این احساس که زندگی فراتر از صفحه آخر ادامه دارد، برآورده می‌کند.

گفتمان پایانی کتاب:

13. The van waits in the driveway, its double doors stand open. The two of them, one on either side now, take me by the elbows to help me in. Whether this is my end or a new beginning. I have given myself over into the hands of strangers, because it can't be helped. (331)

14. And so I step up, into the darkness within; or else the light. (331)

ایدئولوژی:

داستان سرگذشت ندیمه نمونه‌ای از داستان تخیلی است که «مارگرت آتوود» در نظر دارد احساس و دیدگاه یک زن را از زندگی در جامعه پادآرمان شهر بررسی نماید. در گیلنادر، دنیایی که در آن داستان سرگذشت ندیمه به وقوع می‌پیوندد، زنانی که توانایی نادری برای بچه‌دار شدن دارند، «ندیمه» تلقی می‌شوند و به عنوان برده‌های باروری به خانواده‌های طبقه بالتر اختصاص داده می‌شوند. مارگرت آتوود (۲۰۲۱) در نوشتن سرگذشت ندیمه، برای خود یک قانون وضع کرده بود؛ هیچ موضوعی در این کتاب که ریشه‌ای در واقعیت نداشته باشد، وجود ندارد. بنابراین او تحقیقات پیشینه سختی را در مورد دین‌های خاص، نظم اجتماعی، توتالیتاریسم و آزادی باروری انجام داده بود. انجام آن تحقیقات تضمین کرد که تمام محدودیت‌ها و ستم‌های اجتماعی به تصویر کشیده شده در داستان، منشاء خود را در تاریخ دارند. جهان‌بینی او تخیل بر مبنای واقعیت بود.

نمونه‌ای از گفتمان تاثیرات ایدئولوژیک:

15. This is the heart of Gilead, where the war cannot intrude except on television. (32)

مارگرت آتوود در درجهٔ اول به عنوان نویسنده‌ی داستان شناخته می‌شود و در نوشته‌هایش دیدگاه متفاوت‌اش از مضامینی نظیر فمینیسم مشاهده می‌گردد. جهان‌بینی‌ای که آتوود در کتاب خود به جامعه می‌نگرد، جهان‌بینی خود اوست. چنین دیدگاهی منحصر به فرد است و به همان اندازه تصویری که تولید می‌کند نیز منحصر به فرد است. بنابراین درک نویسنده از جامعه ناگزیر تحولی است که تصاویر جدید، تداعی‌های جدید و ایده‌های جدیدی را ایجاد می‌کند.

نمونه‌ای از گفتمان تاثیرات ایدئولوژیک:

16. Now we turn our backs on the church and there is the thing we've in truth come to see: Wall. The Wall is hundreds of years old too; or over a hundred, at least. (41)

17. They haven't fiddled with the gravestones, or the church either. It's only the more recent history that offends them. (41)

فرهنگ:

مارگرت آتوود مشهورترین رمان خود را تا به امروز منتشر کرده است. سرگذشت ندیمه به تاریخ شفاهی ندیمه آفرد می‌پردازد که در یک رژیم توتالیتار سرکوب‌گر گرفتار شده است. او قهرمان زن را در محیطی بیگانه قرار می‌دهد که فضای فیزیک و روانی او را تهدید می‌کند. با این حال آفرد می‌داند که بقای او به اعتقاد او به موقعیتی خارج از فرهنگ بستگی دارد.

18. I walked to the corner and wait. I used to be bad at waiting. They also serve who only stand and wait, said Aunt Lydia. She made us memorize it. (26)

19. There is a silence. But sometimes it's as dangerous not to speak. (39)

20. "Yes, we are happy," I murmur. I have to say something. What else can I say? (39)

21. I know better than to look the interpreter in the face. Most of the interpreters are Eyes, or so it's said. (38)

22. My presence here is illegal. It's forbidden for us to be alone with Commanders. (156)

23. We are for breeding purposes. (156)

24. Already we were finding these walls secure. (153)

دایره واژگان:

مارگرت آتوود دایره واژه‌های جدیدی را در کتاب سرگذشت ندیمه به کار می‌برد، زبان جدید، واقعیت‌ها را به گونه‌ای بیان می‌کند که در خدمت برآوردن نیازهای نخبگان و سردمداران ساختار جدید قدرت قرار بگیرند. نمونه‌هایی از این واژه‌ها ایجاد عنوان‌ها و لقب‌های اجتماعی بودند نظیر Wife برای همسران فرمانده، Marta برای زنان نابارور مسن، Maid برای زنان بارور که وظیفه‌ی تولید بچه دارند و Aunts که ناظر بر ندیمه‌ها هستند. سرگذشت ندیمه یک ایده فمینیستی را به تصویر می‌کشد. مارگرت آتوود جامعه‌ای را به تصویر می‌کشد که تحت سلطه‌ی مردان در می‌آید. بنابراین نوع نگاه آن‌ها به زنان، با نوعی کنترل یا حتی خشونت همراه خواهد شد. در راستای عنوان‌ها می‌توان دو نمونه Unwomen برای فمینیست‌ها و زنانی که توانایی باروری ندارند و به کار بردن واژه‌های Unbabies برای نوزادان ناقص را نام برد. زبان رسمی سرگذشت ندیمه، حتی زمانی که سعی می‌کند محترمانه به نظر برسد، ماهیت ناعادلانه‌اش را به رخ می‌کشد. به عنوان نمونه در گیلیاد، سیاه‌پوستان و یهودی‌ها با عنوانی که در انجیل به کار رفته است، خوانده می‌شوند.

دشواژه:

مارگرت آتوود نویسنده‌ای توانمند است که گفتمان قدرت در کلامش مشهود است. او بی‌پرده و با جسارت و گاهی تند ماجرا را شرح می‌دهد، از دشواژه‌های متعدد در گفتمان‌ها استفاده می‌کند و هیچ‌گونه محافظه‌کاری در متن داستان مشاهده نمی‌شود. نمونه‌هایی از استفاده دشواژه در متن:

25. The pregnant belly is like a huge fruit. (36)
26. I'm going an underwhore party. (67)

استعاره:

به کار بردن استعاره در کارگفت‌های داستان، یکی از شگردهایی است که خواننده را جذب متن می‌نماید.

نمونه‌هایی از گفتمان دارای استعاره:

27. I have been obliterated for her. I am only a shadow now, far back behind the glib shiny surface of this photograph. A shadow of a shadow, dead mothers become. You can see it in her eyes: I am not there. (275)

28. Wait, washed, brushed, fed, like a prize pig” who needed a pig ball in order to have something to do in her life besides the routine. (69)

دستور زبان:

سرگذشت ندیمه مجموعه‌ای از خاطرات نوشته شده توسط ندیمه آفرد است که در یک رژیم سرکوب‌گر محدود شده است. آفرد برای بیان خاطرات خود از زبان گذشته استفاده می‌کند و زبان گذشته به عنوان یک گفتمان مخالف به زبان جدید حکومت در نظر گرفته می‌شود.

نمونه‌هایی از گفتمان دستوری بر مبنای زبان گذشته:

29. We lived, as usual, by ignoring. (67)

And the mountains echoed کتاب

این کتاب توسط «خالد حسینی»، نویسنده افغانستانی - آمریکایی، در سال ۲۰۱۳ به رشته تحریر درآمده است و نامزد جایزه‌ی بهترین داستان سال به انتخاب گودریدز^۱ در سال ۲۰۱۳ شده است.

زاویه دید:

این رمان از روستایی خیالی به نام «شادباغ» در افغانستان آغاز می‌شود و بخش اصلی آن در کابل رخ می‌دهد. اما داستان با مهاجرت شخصیت‌ها به مکان‌های دیگر چون پاریس و کالیفرنیا گسترش می‌یابد. شادباغ نمادی از افغانستان است که زمانی آباد بوده، اما در اثر جنگ و مهاجرت مردم، ویران شده است.

این کتاب شخصیت محور است و شخصیت‌های آن در هر فصل، داستان خود را تعریف می‌نمایند. بیشتر فصل‌های کتاب توسط راوی روایت می‌گردد، ولی در برخی از فصل‌ها نویسنده از راوی اول شخص استفاده نموده است.

نمونه‌هایی از گفتمان دستوری بر مبنای زبان شخصیت‌های متفاوت کتاب:

^۱. Goodreads

30. It's late, and we have a long day of travel ahead of us, Pari, you and I. (1)
31. Panic began to mushroom deep in his chest. (32)
32. I know that I will be gone when you read this letter. (73)
33. He closes the book, his eyes too. (173)
34. I rushed across the yard to the house. (105)

گفتمان آغازین:

این کتاب در نه فصل نوشته شده است. عنوان هر فصل تاریخی است که اتفاقات آن فصل در آن رخ می‌دهد. خالد حسینی از پاییز ۱۹۵۲ شروع می‌کند و تا زمستان ۲۰۱۰ پیش می‌رود.

35. Fall 1952: So, then. You want a story and I will tell you one. But just one. (1)
36. Spring 2003: /the nurse, whose name is Amra Ademovic, had warned Idris and Timur.

گفتمان پایانی:

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این کتاب خوش‌خوان بودن آن است. سادگی در روایت و به تصویر کشیدن احساسات عمیق انسانی دلیل اصلی این ویژگی است. خالد حسینی روایت دردناکی از رنج‌های انسان را به تصویر می‌کشد، لیکن به ثمر رساندن زندگی شخصیت‌ها پایان بندی خوب کتاب را دربر می‌گیرد.

گفتمان پایانی کتاب که موارد ذکر شده را در بر دارد:

37. She turns her face to look at him, her big brother, her ally in all things, but his face is too close and she can't see the whole of it. Only the dip of his brow, the rise of his nose, the curve of his eyelashes. But she doesn't mind, she is happy enough to be near him, with him – her brother – and as a nap slowly steals her away, she feels herself engulfed in a wave of absolute calm. She shuts her eyes. Drifts off, untroubled, everything clear, and radiant, and all at once. (402)

ایدئولوژی:

خالد حسینی در کتاب ندای کوهستان به فرزندان و آینده افغانستان می‌پردازد. فرزندانی که زندگی هر کدام دست خوش بسیار تغییرات شده است. داستان از روح غم برخوردار است که

شاید سایه شوم جنگ و ویرانی است. حتی خوشبخت‌ترین شخصیت‌های داستان نوعی غم در خود دارند، نوعی گم‌گشتگی در بخشی از آن‌چه که باید داشته باشند، که بیشتر آنها گذشته‌ای است که ندارند. نویسنده از این عنصر یعنی ندیدن آن خوشی‌هایی که در قدیم در کوچه بازار افغانستان بوده است حال دیگر نمی‌بیند. این یعنی جای خالی آن خاطرات و افراد و زندگی.

38. I can sum it up in one word: war. Or, rather, wars. Not one, not two, but many wars., both big and small, just and unjust, wars with shifting casts of supposed heroes and villains, each new hero making one increasingly nostalgic for the old villain. (121)

خالد حسینی به زمینه‌های تاریخی و اجتماعی در نگارش این کتاب توجه کرده است. جهان‌بینی وی در اثر مذکور، توجه به زمینه‌های تاریخی-اجتماعی روایت است و با وجود پیوند ناگسستنی با تاریخ واقعی افغانستان، نوعی بازآفرینی واقعیت به شمار می‌رود. نمونه‌هایی از گفتمان تأثیرات ایدئولوژیک:

39. Absently, she watches images of airlifted South Vietnamese refugees arriving in Guam. (217)

40. He describes for her the shell-blasted school, the squatters living in roofless building, the beggars, the mud, the fickle electricity, but it's like describing music. (159)

41. Kabul's vivid, arresting details – the bodybuilding gym amid the rubber, for instance, a painting of Schwarzenegger on the window. (159)

ندای کوهستان داستان سرنوشت‌هاست.

فرهنگ:

خالد حسینی در کتاب ندای کوهستان به سنتی بودن، سفت و سخت بودن، ننگ و ناموس، سنگ دل بودن و شخصیت‌های متعدد داستان اشاره می‌کند که بازتابی از فرهنگ است.

42. Then there was Sundays, when I put on a white cotton scarf, and he dropped me off at the mosque in Hayward for Koran lessons. The room where we studied – a dozen other Afghan girls and I – was tiny, had no air-conditioning, and smelled of unwashed linen. (362)

دایره واژگان:

خالد حسینی داستان ندای کوهستان را با واژه‌های امروزی، ساده و روان شرح می‌دهد.

43. Sometimes he had Abdullah and Pari sit raptly before him. (31)

44. Pari, already sleepy, sluggishly sang her verse. (32)

دشواژه:

خالد حسینی با جسارت ولی نرم و لطیف داستان خود را به نگارش درآورده است لزومی بر استفاده از واژه‌های سخیف و دشواژه‌های تند نمی‌بیند.

45. Ill-fitting uniforms. (34)

46. Panic began to mushroom deep in his chest. (32)

استعاره:

به کاربردن استعاره در کارگفت‌های داستان، یکی از شگردهایی است که خواننده را جذب متن می‌نماید. خالد حسینی در نگارش خود از استعاره‌های ادیبانه زیاد استفاده نموده است.

نمونه‌هایی از گفتمان دارای استعاره:

47. He walked in the dark, his cane tapping before him, the night breeze stroking his face. (15)

48. Fat rain fell from the sky, and the village rose thirstily to meet it. (14)

49. Her heart leapt with joy and she cried out with relief. (13)

50. You don't want to ring the bell anymore, Baba said one night. (364)

دستور زبان:

زبان نگارش خالد حسینی، ساده، واژگانش امروزی، شخصیت‌های کتابش ملموس و در مجموع کتاب بسیار خوش‌خوان و روان است.

نمونه‌هایی از گفتمان واژگانی، دستوری و ساختار متن:

51. The light was dimming, but it was summer, and the sky was still awash in pale yellow. (272)

52. From the dining room, women screamed. (272)

53. The house proved even more impressive once Uncle Nabi led Abdullah, Pari, and Father inside. (36)

سطح سوم: تبیین

در این سطح، بافت اجتماعی متن و ارتباط متن با مناسبات قدرت از طریق گفتمان پرداخته می‌شود. زبان در ساختار از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و استفاده از رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی «نورمن فرکلاف»، ارتباط میان زبان، ایدئولوژی و زبان‌شناسی متن را ضروری می‌نماید. تحلیل گفتمان انتقادی بر این امر تأکید دارد که گفتمان، ابزاری در خدمت قدرت است که معمولاً درک نحوه کارکرد آن دشوار است (بلوم‌آرت ۲۰۰۵: ۲۴-۲۵). هدف تحلیل گفتمان انتقادی، آشکار ساختن و بر ملا کردن این نحوه کارکرد است. مقوله زبان نیز مورد توجه زیاد تحلیل گفتمان انتقادی است که به مثابه کرداری اجتماعی، ایدئولوژی را آشکار می‌سازد (بیکر و ایس ۲۰۱۱: ۲۶).

گفتمان زنانه و مردانه ویژگی‌هایی را بر متن تحمیل می‌کند و همواره می‌توان انتظار ابداع شیوه‌های جدید و منحصر به فرد از زنان و مردان داشت. بسیاری از ویژگی‌ها در گفتمان زنانه و مردانه با یکدیگر تفاوت، شباعت و یا هم‌پوشانی دارد. گفتمان زنانه و مردانه دو ذات متفاوت نیستند، بلکه دوبرساخته زبانی و فرهنگی می‌باشند. در نوشتار هر یک از این دو، واژه‌های زنانه و مردانه پدیدار می‌گردد. جنسیت در گفتمان به شدت به ایدئولوژی ذهنی افراد وابسته است. هر نویسنده با هرگونه ایدئولوژی، سعی در جذب و متقاعد کردن خواننده دارد و در این راه از زبان به نفع خود بهره جسته است.

زاویه دید:

انتخاب زاویه دید متفاوت بار ایدئولوژی را در بردارد. مارگرت آتوود، سرگذشت ندیمه را با راوی اول شخص به تفسیر می‌کشد، حال آن‌که خالد حسینی از زبان شخصیت‌های متفاوت داستان روایت ندای کوهستان را شرح می‌دهد. نکته مهم دیگر این است که راوی اول شخص در سرگذشت ندیمه زن است و در کتاب ندای کوهستان جنسیت‌های متفاوت، با توجه به روایت، داستان را بیان می‌نمایند. استفاده از راوی اول شخص قدرت را در پی دارد و در سرگذشت ندیمه راوی زن، آفرد، بی پرده از خود، تمایلات خود، روزمرگی، رفتار دیگران، شرح مآووقع داستان سخن می‌گوید. مارگرت آتوود صدای خود را در شرح تخیل و واقعیت با قدرت به رشته تحریر درآورده است. از سوی دیگر خالد حسینی تفاوتی بین شخصیت‌ها قائل نشده است و صدای خود را برای هر یک از شخصیت‌ها به یک میزان فراهم آورده است.

نمونه‌هایی از گزاره‌های مارگرت آتوود:

54. In a minute the wreath will start to color and I will begin seeing things. (147)

55. Then I remembered something I'd seen and hadn't noticed at the time. (206)

نمونه‌هایی از گزاره‌های خالد حسینی:

56. Adel thought he would stand there a while in the field, watching the hills and the mountains looming over New Shadbagh. (277)

57. Many years later, when I began training as a plastic surgeon, I understood something that I had not that day in the kitchen arguing for Thalia to leave. (329)

سبک

سبک یا شیوه بیان از مهم‌ترین ویژگی‌های نگارش به حساب می‌آید. آن‌چه به نوشته شکل می‌دهد قلم نویسنده است. سبک خالد حسینی با زبانی ساده همراه است. واژه‌های به نگارش درآمده در کتاب ندای کوهستان به روز و ساده هستند. داستان دارای شخصیت‌های ملموس است. و کتاب بسیار خوش‌خوان و روان به رشته‌ی تحریر در آمده است. در مقابل کتاب سبک نوشتاری مارگرت آتوود زنده و شاعرانه است و کتاب سرگذشت ندیمه را با توصیف‌های غنی و تصویرهای قدرتمند به نگارش درآورده است. مارگرت آتوود با کاوش در مضامین فمینیستی و سوژه‌های دشوار و بحث برانگیز داستان را پیش برده است.

نمونه‌هایی از گزاره‌های مارکرت آتوود:

58. The sitting room is subdued, symmetrical; it's one of the shapes money takes when it freezes. (93)

59. Why don't women have to prove to one to one another that they are women? Some form of unbuttoning, some split-crotch routine, just as casual. A doglike sniffing. (87)

نمونه‌هایی از گزاره‌های خالد حسینی:

60. It's uncanny, the timing. The elevator door dings open at precisely – precisely – the same moment the phone begins to ring. (174)

61. When I was a little girl, my father and I had a nightly ritual. After I'd said my twenty-one Bismillahs and he had tucked me into bed,

he would sit at my side and pluck bad dreams from my heads with his thumb and forefinger. (345)

شیوه روایت

کتاب ندای کوهستان رمانی شخصیت محور است و به دلیل داشتن شخصیت‌های متنوع، طرح‌های متعدد دارد. خالد حسینی برای روایت رخدادهایی که خارج از بازه زمانی داستان است، از تکنیک بازگشت به گذشته استفاده نموده است. حال آن که مارگرت آتوود کتاب سرگذشت ندیمه را بر مبنای یک طرح به رشته تحریر درآورده است.

دایره واژگان

دایره واژگانی در کتاب ندای کوهستان ساده هستند و خالد حسینی بسیار روان و ساده با واژه‌های به روز داستان را شرح می‌دهد. حال آن که مارگرت آتوود در به کار بردن واژه‌ها نوآوری به خرج داده است. ساختار جدید واژگان، گفتمان قدرت را در داستان ندیمه پدیدار می‌سازد. بنابراین بسامد دشواری واژگان در متن سرگذشت ندیمه نسبت به داستان ندای کوهستان بیشتر است. مارگرت آتوود بی‌پرده و با جسارت و گاهی تند ماجرا را شرح می‌دهد، از دشواری‌های تند و گاه سخیف در گفتمان‌ها استفاده می‌کند و هیچ‌گونه محافظه‌کاری در متن داستان مشاهده نمی‌شود. اگرچه خالد حسینی نیز با جسارت داستان خود را به نگارش درآورده است ولی لزومی بر استفاده از دشواری‌های تند نمی‌بیند.

نمونه‌هایی از گزاره‌های مارگرت آتوود:

62. For the eyes of the Lord run to and throughout the whole earth, to know himself strong in the behalf of them whose heart is perfect towards him. (108)

63. I looked out at the duck and think about its being winter. The snow falling, gently, effortlessly, covering everything in soft crystal, the mist of moonlight before a rain, blurring the outlines, obliterating color. (328-329)

نمونه‌هایی از گزاره‌های خالد حسینی:

64. Still, Baba Ayub counted himself among the fortunate because he had a family that he cherished above all things. (2)

65. The children wept with terror, and also sorrow, because they

66. knew that the loss of one among them was now assured. (4)

ایدئولوژی و فرهنگ:

مارگرت آتوود مفهوم زن را در بافت جامعه پادآرمان شهر بررسی می‌کند. در حکومت استبدادی گیلیاد، زنان با توانایی تولیدمثل شناسایی می‌شوند و هر نوع کنترل و سرکوبی به عنوان مذهب و اجتماع مشروع شناخته می‌شود. مارگرت آتوود در کتاب سرگذشت ندیمه دیدگاه‌های اجتماعی، مذهبی و سیاسی را مطرح می‌کند و هویت زنانه را براساس ایدئولوژی حاکم تعریف می‌کند. او نمود قدرت را به مثابه‌ی ابزاری ایدئولوژیک نشان می‌دهد. گفتمان قدرت در کلامش مشهود است و با جسارت و گاه تند متن را به نگارش در می‌آورد. نمونه‌هایی از گزاره‌های مارگرت آتوود:

67. They played it from a tape, so not even an Aunt would be guilty of the sin of reading. The voice was man's. (105)

68. I can't remember. Such songs are not sung anymore in public, especially for ones that use words like free. They are considered too dangerous. They belong to outlawed sects. (65)

خالد حسینی کتاب ندای کوهستان را بر مبنای منشور خواهر و برادر نوشته است و فرهنگ روابط بین افراد خانواده را شرح داده است. او به درون‌مایه‌های گناه و قدرانی می‌پردازد و نمود آن را به مثابه ابزاری ایدئولوژیک آشکار می‌سازد. با جسارت ولی با نرمی متن را به نگارش در می‌آورد.

نمونه‌هایی از گزاره‌های خالد حسینی:

69. I just think these people, everything they're been through, we should respect them. (147)

70. The lucky ones, the ones who weren't here when the place was getting bombed to hell. We're not like these people. We shouldn't pretend we are. The stories these people have to tell, we're not entitled to them. (147-148)

گفتمان قدرت:

مارگرت آتوود با بیان زبان رسمی سعی دارد زبان گذشته را رد و آن را با گفتمان کتاب مقدس جایگزین نماید. گیلیاد به عنوان یک نظام اساسی تلاش می‌کند تا اصول اجتماعی را برپا کند. خاطرات آفرد به عنوان یک نوشته، تفسیری صریح از اصول اجتماعی و سنتی بیان

می‌دارد. زبان رسمی مورد استفاده در گیلیاد از تفسیر آفرد در باب قلمرو جدید نشأت می‌گیرد. قدرت رژیم می‌تواند گذشته را نادیده بگیرد، اما هرگز قادر به پاک کردن خاطرات انسان نیست. مارگرت آتوود به مسائل و حقوق مدنی زنانی پرداخته است که در پیوند با ساختارهای متحجرانه‌ی سنتی در جامعه است. در نگارش مارگرت آتوود، گفتمان خشم در کنار گفتمان قدرت بیشتر به چشم می‌خورد. خاله لیدیا در کتاب سرگذشت ندیمه، ندیمه‌ها را بر اساس زبان رسمی آموزش می‌دهد و تربیت می‌کند و سعی دارد اهمیت عادی‌سازی ایده و باور رژیم را به ندیمه‌ها بقبولاند.

نمونه‌ای از گفتمان قدرت:

71. Ordinary, said Aunt Lydia, is what you are used to. This may not seem ordinary to you, but after a time it will. It will become ordinary. (44)

سرگذشت ندیمه بر گفتمان قدرت تاکید می‌کند که برای آفرد در توانایی آن در ارائه به خواننده مشهود است.

نمونه‌هایی از گفتمان قدرت:

71. But if it's a story, even in my head, I must be telling it to someone. You don't need tell a story only to yourself. There's always someone else. Even when there is no one. (50)

72. Dear You, I'll say. Just you, without a name. (50)

73. You are a transitional generation. It is the hardest for you. We know the sacrifices you are expected to make. It is hard when men revile you. For the ones who come after you. It will be easier. They will accept their duties with willing heart. (128)

74. There's more than one kind of freedom, freedom to and freedom from. In the days of anarchy, it was freedom to. Now you are being given freedom from. Don't underrate it. (33-34)

در نگارش خالد حسینی، برخلاف انتظار، از گفتمان قدرت کم تر استفاده شده است. خالد حسینی به عنوان یک مرد، داستان را با آرامش روایت می‌کند. شاید بتوان گفت دلیل این آرامش بیان این باشد که خود مورد ظلم قرار نگرفته است.

نمونه‌هایی از گفتمان خالد حسینی:

75. Please do not think I am boasting, Mr. Markos, when I say I was a good servant. (76)

76. In the week that Idris has been back in Kabul, he has found this tone of lighthearted exasperation common among the foreign-aid workers,

who've had to navigate the inconveniences and crazies of Afghan culture. (133-134)

77. He is vaguely offended by this entitlement to cheerful mocking, this license to condescend, though the local don't seem to take notice, or take it as an insult if they do, and so he thinks he probably shouldn't either. (134)

78. Namely, how afraid I am to be free despite my frequent desire for it. (388)

79. The truth I rarely admit to is, I have always needed the weight of Baba on my back. (388)

نتیجه‌گیری

نگارندگان پس از ارزیابی تحلیل گفتمان‌ها از منظر ساخت‌گرایی، بر اساس چهارچوب متمرکز و روش‌مند فرکلاف، به این نتایج دست یافته‌اند. در فرآیند بررسی بر اساس دیدگاه تحلیل گفتمان انتقادی، ساختارهایی چون روابط قدرت و ایدئولوژی ظرفیت نقدپذیری دارند. از تحلیل متون می‌توان نتیجه گرفت که در درجهٔ اول تفاوت معنی‌داری در ابزارهای زبانی مورد استفاده این دو نویسنده مشاهده نمی‌شود، بلکه تفاوت در چگونگی استفاده از این ابزارهاست. بارزترین تفاوت بین این دو نویسنده سبک نوشتاری بود. واژگان استفاده شده در متن سرگذشت ندیمه بسامد دشواری بالاتری داشتند. واژگان در کتاب ندای کوهستان ساده‌تر و امروزی‌تر بودند. خالد حسینی در کتاب ندای کوهستان، از تمرکز بر روی یکی از شخصیت‌ها دوری کرده و داستان را به صورت یک مجموعه داستان کوتاه نوشته است و روایت داستان از دید شخصیت‌های متفاوت بیان می‌شود، حال آن‌که مارگرت آتوود داستان خود را با تمرکز بر سرنوشت ندیمه‌ای به نام آفرد و از زبان او روایت می‌کرد. کتاب ندای کوهستان داستانی شخصیت‌محور دارد که به دلیل وجود شخصیت‌های متعددش، طرح‌های داستان متعدد دارد. در مقابل طرح داستان کتاب سرگذشت ندیمه یکی است و تمام داستان به صورت اول شخص و از زبان شخصیت اصلی داستان بیان می‌گردد. بسامد استفاده از استعاره در هر دو نویسنده تقریباً به یک میزان بود. هر دو نویسنده از مناسبات قدرت بهره می‌برند ولی چگونگی استفاده از ابزار قدرت در سبک متفاوت آن‌ها به چشم می‌آید.

اگرچه با وجود تفاوت‌ها، شباهت‌هایی نیز بین دو این دو نویسنده وجود دارد. مارگرت آتوود در کتاب سرگذشت ندیمه تبعض‌های جنسیتی و نگاه‌های جنسیت‌زده را به روشنی ترسیم کرده است. از سوی دیگر خالد حسینی نیز در کتاب ندای کوهستان با شرح تبیض‌های جنسیتی و نگاه‌های جنسیت‌زده خواننده را تحت تأثیر قرار داده است. هر دو نویسنده از موقعیت‌های نابرابر زن و مرد در جامعه و در ارتباط با یکدیگر، سخن می‌گویند. هریک احساسات انسانی را با گسترهٔ عمیق‌تری شرح می‌دهند. مارگرت آتوود به مسائل و حقوق مدنی زنانی پرداخته است که در پیوند با ساختارهای متحجرانه‌ی سنتی در جامعه است. در نگارش وی، گفتمان خشم در کنار گفتمان قدرت بیشتر به چشم می‌خورد. در نگارش خالد حسینی، برخلاف انتظار، از گفتمان قدرت کم‌تر استفاده شده است. او به عنوان یک مرد، داستان را با آرامش روایت می‌کند. شاید بتوان گفت دلیل این آرامش بیان این باشد که خود مورد ظلم قرار

نگرفته است. نگرش زن محور در هر دو نویسنده نقش اساسی داشته است. مارگرت آتوود با استفاده از شیوه گفتمان قدرت از شیوه نوشتاری گفتمان مردانه استفاده کرده است، خالد حسینی نیز برای تطابق با ذهنیت شخصیت‌های زن داستان از شیوهی نوشتاری گفتمان زنانه هم بهره برده است و این مهم زیربنای ایدئولوژیکی که در سطح تعبیر دارد را آشکار می‌سازد. فرکلاف (2003) بیان می‌دارد که یکی از اثرات مهم متن‌ها در نظریه تحلیل گفتمان انتقادی، اثرات ایدئولوژیکی است. به باور نگارندگان، از آنجایی که مارگرت آتوود به عنوان یک زن تجربیات یک زن را زیسته است، خشم، عصیان و روایت قوی‌تری ارائه می‌نماید. حال آن‌که خالد حسینی تجربیات متفاوتی را زیسته است و شرایط حاکم بر داستان را از چشم‌انداز خود توصیف می‌کند. بنابراین روایت ملایم‌تری دارد زیرا خود طعم خشم را نچشیده است. هر دو نویسنده زن و مرد به مثابه تصمیم گیرنده‌ای فعال در خلال انتخاب گفتمان‌ها، ایدئولوژی خود را بازنمایی می‌نمایند. گفتمان قدرت برگرفته از اثرات ایدئولوژیک است. دیدگاه انتقادی به ایدئولوژی، قائل به وجه قدرت این مقوله است. کلمات مارگرت آتوود صدای اوست و کلمات خالد حسینی صدای او. صدای آن‌ها اثر انگشت آن‌ها محسوب می‌شود. هر اثر انگشت متعلق به یک انسان است و هیچ دو اثر انگشتی یکسان نیست. بنابراین این دو نویسنده صدای یکسانی ندارند.

این پژوهش رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی از منظر جنسیت را جهت دو نویسنده بررسی نموده بود؛ پیشنهاد می‌شود پژوهش‌گران دیگر نویسندگان دیگری را نیز نقد نمایند، از رویکردهای کیفی دیگری نظیر رویکرد نشانه-گفتمانی و ... استفاده کنند و یا براساس نوع موضوع رمان تحلیل انجام دهند.

منابع

- ارباب، سپیده، (۱۳۹۱)، «بررسی و طبقه‌بندی دشواژه‌های رایج فارسی در تداول عامه»، نشریه پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی، شماره ۴، سال دوم، صفحه ۱۲۴-۱۰۷.
- ارباب، سپیده، (۱۳۹۱)، «بررسی و طبقه‌بندی دشواژه‌های رایج فارسی در تداول عامه» پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی، ۲(۴)، ۱۰۷-۱۲۴.
- پالومبو، جوزپه، (۳۹۰)، اصطلاحات کلیدی در مطالعات ترجمه، ترجمه: فرحزاد، فرزانه، کریم‌زاده، عبدالله، تهران: نشر قطره.
- تیموری، طناز، پارسا، سید احمد و کریمی، یادگار، (۱۴۰۲)، تحلیل کارکردهای گفتمانی رمان «سال بلوا» با رویکرد نورمن فرکلایف، فصلنامه علمی زبان‌پژوهی دانشگاه الزهراء (س)، سال پانزدهم، شماره ۴۷، صفحه ۱۸۴-۱۵۷.
- حاتمی، سعید، سید یزدی، زهرا و میرزا علیان، ریحانه، (۱۴۰۱)، «مقایسه تأثیر عوامل جنسیتی بر نوشتار رمان‌های سال بلوا و خانه ادریسی‌ها»، نشریه فنون ادبی، سال چهاردهم، شماره ۲، صفحه ۱۷-۳۲.
- دهقانی، مریم و محمودی بختیاری، بهروز، (۱۳۹۲)، «رابطه زبان و جنسیت در رمان معاصر فارسی: بررسی شش رمان»، نشریه زن در فرهنگ و هنر، دوره ۵، شماره ۴، صفحه ۵۵۶-۵۴۳.
- سجودی، فرزانه، (۱۳۸۸)، نشانه‌شناسی: نظریه و عمل. تهران: نشر علم.
- صفوی، کوروش، (۱۳۷۰)، «نقد ادبی، شیوه نقد ترجمه، مجله کلک»، شماره ۲۳ و ۲۴، صفحه ۱۳۱-۱۲۳.
- صفوی، کوروش، (۱۳۷۱)، هفت گفتار درباره ترجمه، تهران: نشر مرکز، کتاب ماد.
- صفوی، کوروش، (۱۳۹۰)، درآمدی بر معنی‌شناسی، تهران: شرکت انتشارات سوره مهر.

عربی، فیروزه و رفیعی، زهرا، (۱۳۹۷)، «مقایسه تاثیر جنسیت نویسنده در بیان نشانه‌های سبک زنانه در جای خالی سلوچ و حتی وقتی می‌خندیم»، اولین همایش ملی ادبیات داستانی و ترجمه، شیراز،

علا، شراره و فرزاد، عبدالحسین، (۱۳۹۸)، «بررسی رابطه زبان و جنسیت در شش رمان معاصر فارسی قبل و بعد از انقلاب»، نشریه علمی دانشگاه آزاد اسلامی، مقاله ۵، دوره ۱۰، شماره ۴۰، صفحه ۱۰۵-۱۲۲.

فرح‌زاد، فرزانه و کریم‌زاده، عبدالله، (۱۳۹۰)، اصطلاحات کلیدی در مطالعات ترجمه، تهران: نشر قطره.

قاسمی، روح اله، (۱۳۹۸)، تحلیل گفتمان انتقادی، تهران: اندیشه احسان.

نجفیان، آزاده، حسامپور، سعید و پورگیو، فریده، (۱۳۹۸)، «تحلیل گفتمان‌های قدرت و جنسیت در آثار نویسندگان زن دهه هشتاد (ارسطویی، پیرزاد، وفی)»، فصل‌نامه علمی-پژوهشی زن و جامعه، سال سیزدهم، شماره دوم، صفحه ۱۶۸-۱۴۹.

ولی زاده، وحید، (۱۳۸۷)، جنسیت در آثار رمان‌نویسان زن ایرانی، نشریه نقد ادبی، سال اول، شماره ۱، صفحه ۲۲۴-۱۹۱.

Argamon, Shlomo, Koppel, Moshe, Fine, Jonathan and Shimoni, Anat Rachel (2003). «Gender, genre and writing style in formal written texts». *Text - Interdisciplinary Journal for the Study of Discourse*.

Atwood, Margaret (1985). *The handmaid's tale*. Toronto: Everyman's library.

Baker, P. and Ellece, S. (2011). *Key terms in discourse analysis*. London Press.

Bloomaert, J. (2005). *Discourse: A critical Introduction*. Cambridge and New York: Chamboredon University Press.

Fairclough, N. (1992a). *Critical language awareness*. London: Longman.

- Fairclough, N. (1992b). *Discourse and social change*. Cambridge: Polity press.
- Fairclough, N. (1995). *Critical discourse analysis*. London: Longman.
- Fairclough, N. (1998). *Political discourse in media*. Oxford: Blackwell.
- Fairclough, N. (2010). *Critical discourse analysis: The critical study of language*. London: Longman.
- Hosseini, Khaled (2013). *And the mountains echoed*. London: Bloomsbury publishing PLC.
- Lange, Chery (2008). «Men and women Writing Women: The Female Perspective and Feminism in U.S. Novels and African Novels in French by Male and Female Authors». *UW-L Journal of Undergraduate Research XI*.
- Paltridge, B. (2012). *Discourse analysis: an introduction (2nd edition)*. New York: Bloomsbury publishing PLC.